Quarterly Financial Accounting
E-ISSN: 2783-4417
Vol. 14, Issue 2, No. 54, Summer 2022, p 52-68
Received: 19.09.2022 Accepted: 25.02.2023

Research Paper

Analyzing the Impact of Client Bankruptcy Risk on Auditor Conservatism

Meysam Foroughi Abari*
Assistant Professor, Department of Accounting, Mobarakeh Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
meysam.forooghi@mau.ac.ir

Iraj Kazemi
Associate Professor, Department of Statistics, University of Isfahan, Isfahan, Iran.
i.kazemi@stat.ui.ac.ir

Abstract
Considering the auditors' responsibility and mission in the accreditation of financial statements and the adverse effects of corporate bankruptcy on society and the users of financial statements, this study aims to investigate the auditors' conservatism hypothesis in responding to the client bankruptcy risk by estimating the bankruptcy risk. For the purpose of this study, data of 110 companies listed on Tehran Stock Exchange during the period 2008 to 2018 are collected from audited financial statements, official website of Tehran Stock Exchange and also Iranian Association of Certified Public Accountants. In order to test the research hypotheses, this study applies the multiple regression analysis as well as probit regression. This study finds that client bankruptcy risk has a significant positive effect on the conservative behavior of the auditors, which is reflected in auditor's report in the form of going concern uncertainty. However, the results indicate that audit fees has not affected by the client bankruptcy risk. In other words, auditors consider the effect of client bankruptcy risk on the audit risk. Therefore, auditors publish conservative reports in order to carry out their legal, social and professional responsibilities and to prevent the audit failure.

Keywords: Going Concern Opinion, Bankruptcy Risk Estimation, Audit Fees, Audit Risk, Auditor Conservatism

Introduction

Many accounting variables represent estimates of future outcomes; they are labeled as estimates. Therefore decision-making under conditions of uncertainty is of fundamental importance in accounting. This study shows that estimation client bankruptcy risk has an impact on the degree of conservatism exhibited by risk-averse auditors; because auditors can incur substantial losses from litigation and reputation impairment when their clients file for bankruptcy.

Method and Data

For the purpose of this study, data of 110 companies listed on Tehran Stock Exchange during the period 2008 to 2018 are collected from audited financial statements, official website of Tehran Stock Exchange and also Iranian Association of Certified Public Accountants. To generate the point estimates of bankruptcy ($\widehat{B}^*$), we estimate bankruptcy prediction models over rolling windows of the past five years. We use rolling windows because we use the point estimates to explain auditors' out-of-sample behavior in the following year. For example, we estimate bankruptcy models for the five year period 2008–2012, and we use the resulting coefficients to estimate $\widehat{B}^*$ in the following year (2013). We then use these values of $\widehat{B}^*$ to explain auditors' going-concern reports and audit fees in year 2013. In order to test the research hypotheses, this study applies the multiple regression analysis as well as probit regression.

* Corresponding Author
Foroughi Abari, M., Kaemi, I. (2022). Analyzing the Impact of Client Bankruptcy Risk on Auditor Conservatism. *Quarterly Financial Accounting*, 14(54): 52-68.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

Findings

We begin by regressing going-concern opinions on the point estimates ($\widehat{B}^{*}$) and control variables. Consistent with prior audit reporting studies, finds a highly significant positive coefficient on the $\widehat{B}^{*}$ variable. In other words, this study finds that client bankruptcy risk has a significant positive effect on the conservative behavior of the auditors, which is reflected in auditor's report in the form of going concern uncertainty.

Conclusion and discussion

Client bankruptcy risk affects behavior of individuals. We examine how client bankruptcy risk affects auditors' going-concern reports and audit fees. We demonstrate that client bankruptcy risk has a significant positive effect on the conservative behavior of the auditors, which is reflected in auditor's report in the form of going concern uncertainty. However, the results indicate that audit fees has not affected by the client bankruptcy risk.

In other words, auditors consider the effect of client bankruptcy risk on the audit risk. Therefore, auditors publish conservative reports in order to carry out their legal, social and professional responsibilities and to prevent the audit failure.These findings are consistent with client bankruptcy risk helping explain auditor behavior. In particular, our findings suggest that auditors are more conservative when they face client bankruptcy risk. These findings matter because decision making under uncertainty is a key theme of accounting research.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

فصلنامه حسابداری مالی
سال چهاردهم، شماره ۵۴، تابستان ۱۴۰۱، ص ۶۸-۵۲
تاریخ دریافت۱۴۰۱/۰۶/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۵

مقاله پژوهشی

تحلیل تأثیر خطر ورشکستگی صاحبکار بر محافظه‌کاری حسابرس

میثم فروغی ابری*
استادیار، گروه حسابداری، واحد مبارکه، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.
meysam.forooghi@mau.ac.ir

ایرج کاظمی
دانشیار، گروه آمار، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
i.kazemi@stat.ui.ac.ir

چکیده:
با توجه به مسئولیت و رسالت حسابرسان در اعتباربخشی صورت‌های مالی از یک سو و آثار نامساعد ورشکستگی شرکت‌ها برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی و نیز جامعه از سوی دیگر، این پژوهش درصدد آن است که با برآورد خطر ورشکستگی صاحبکار، به رد یا عدم رد فرضیه‌ی محافظه‌کاری حسابرسان در برخورد با خطر ورشکستگی صاحبکاران پرداخته و آثار این خطر را بر رفتار آن‌ها، بررسی و تحلیل نماید. برای بررسی موضوع، داده‌های ۱۱۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازۀ زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۶، از صورت‌های مالی حسابرسی شده، سایت رسمی بورس اوراق بهادار تهران و نیز اطلاعات نزد جامعه حسابداران رسمی ایران، جمع‌آوری شده و با استفاده از رگرسیون چندگانه و نیز پروبیت، فرضیه‌های پژوهش آزمون شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد خطر ورشکستگی صاحبکار، بر رفتار محافظه‌کارانه حسابرسان که در قالب صدور بند ابهام در تداوم فعالیت صاحبکار، در گزارش حسابرسان متجلی می‌شود تأثیر مثبت دارد اما این خطر بر حق‌الزحمه حسابرسان تأثیری نداشته است. بر این اساس، حسابرسان به‌منظور انجام وظایف و مسئولیت‌های قانونی، اجتماعی و حرفه‌ای خود و نیز جلوگیری از شکست حسابرسی، در برخورد با خطر ورشکستگی صاحبکاران، با لحاظ کردن اثر این خطر بر برآورد خطر حسابرسی، اقدام به صدور گزارش‌های محافظه‌کارانه می‌نمایند.

واژه‌های کلیدی: اظهارنظر تداوم فعالیت، برآورد خطر ورشکستگی، حق‌الزحمه حسابرسی، خطر حسابرسی، محافظه‌کاری حسابرس.

مقدمه

گزارش‌های مالی شرکت‌ها، یکی از منابع مهم اطلاعاتی برای قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و نیز مدیریت ریسک و بازده است و زمانی که این گزارش‌ها توسط حسابرس مستقل مورد رسیدگی قرار می‌گیرد بر اعتبار آن افزوده می‌شود. هدف

---

* نویسنده مسئول.

فروغی ابری، میثم،کاظمی، ایرج. (۱۴۰۱). تحلیل تأثیر خطر ورشکستگی صاحبکار بر محافظه‌کاری حسابرس. *فصلنامه حسابداری مالی*، ۱۴(۵۴): ۶۸-۵۲.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

کلی حسابرس، آن است که از نبود تحریف بااهمیت در صورت‌های مالی (که هسته‌ی اصلی گزارش‌های مالی هستند) اطمینان معقول کسب نماید. به این منظور، حسابرس با استفاده از شواهد کافی و مناسب، خطر حسابرسی را به سطح قابل‌قبولی کاهش داده و مبنایی برای اظهارنظر خود فراهم می‌آورد. خطر حسابرسی به معنی اظهارنظر نامناسب حسابرس نسبت به‌صورت‌های مالی است که تحریف بااهمیت دارد. ارزیابی این خطر بر مبنای روش‌های حسابرسی اجرا شده و شواهد کسب شده در جریان حسابرسی، انجام می‌شود تا حسابرس بتواند در یک سطح پایین و قابل‌قبول خطر حسابرسی، نسبت به‌صورت‌های مالی اظهارنظر کند؛ دو جزء خطرهای تحریف بااهمیت، یعنی خطر ذاتی و خطر کنترل، خطرهای مربوط به واحد تجاری هستند و مستقل از حسابرسی صورت‌های مالی نیز وجود دارند اما حسابرس باید این خطرها را نیز در فرآیند حسابرسی خود مدنظر قرار دهد. از جمله مواردی که می‌تواند خطر ذاتی حسابرسی را افزایش دهد خطر ورشکستگی واحد صاحبکار است. از آنجایی که حسابرسان بر اساس رسالت و مسئولیتشان باید در مورد موضوع تداوم فعالیت واحد تحت حسابرسی‌شان اظهارنظر کنند و این اظهارنظر، با بررسی وضعیت و عملکرد آن واحد تجاری و نیز سایر رویدادها و شرایط آتی که ممکن است موجب توقف فعالیت واحد تجاری شود انجام می‌شود، همچنین با توجه به گستره‌ی بحران‌های مالی، که انتظارات جامعه را از حسابرسان در حوزه‌ی پیش‌بینی و برآورد خطر ورشکستگی بیشتر کرده است به نظر می‌رسد حسابرسان با محافظه‌کاری بیشتری با این شرایط برخورد کرده و نسبت به جمع‌آوری شواهد متقاعدکننده‌تر اقدام نمایند؛ به‌علاوه حسابرسان برای جلوگیری از زیان‌های احتمالی خود که می‌تواند از قضاوت نادرست آن‌ها درباره‌ی خطر ورشکستگی صاحبکار ناشی شود نیز انگیزه دارند محافظه‌کارانه رفتار کرده و محتاطانه اظهارنظر کنند؛ بنابراین در این پژوهش به بررسی و تحلیل تأثیر خطر ورشکستگی صاحبکار بر رفتار محافظه‌کارانه‌ی حسابرسان پرداخته می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

همان‌گونه که شواهد تاریخی، قدمت محافظه‌کاری در حسابداری را به قرن‌ها پیش مربوط می‌کنند موضوع محافظه‌کاری در حسابرسی نیز قدمتی طولانی داشته و به عبارتی می‌تواند هم‌عصر با محافظه‌کاری در حسابداری باشد؛ با بررسی متون تاریخی می‌توان دریافت در حکومت‌های باستان هم شخص (اشخاصی) مسئولیت کشف تقلب و اشتباه شخص گزارش‌دهنده (که می‌توانست حسابدار و یا مباشر باشد) و نهایتاً تأیید یا رد ادعای وی را بر عهده داشته و ایشان با توجه به حساسیت موضوع و مسئولیت سنگینی که در قبال اربابان، مالکان و یا حکمرانان داشتند همواره درجه‌ای از احتیاط و محافظه‌کاری را در بررسی‌ها و اظهارنظر خود مدنظر قرار می‌داده‌اند؛ از همین رو، موضوع احتیاط و محافظه‌کاریِ شنوندگان[1] (حسابرسان آن ایام) نیز در برخی کتاب‌ها مطرح شده و آن‌ها را به رعایت این امر توصیه می‌کرده‌اند؛ به‌عنوان نمونه باسو (۲۰۰۹) در پژوهش خود اشاره‌ای به اوایل قرن چهاردهم کرده و بیان می‌کند که والتر در کتابی با عنوان زراعت[2] که در مورد مدیریت املاک بود به حسابرسان حساب‌های ملکی (ارباب رعیتی) توصیه کرد باوفا و صادق و نیز محتاط[3] باشند.

اما شرایط تجاری پرتنش امروز نیز که به دلایلی همچون رقابت تنگاتنگ بین واحدهای تجاری و افزایش دعاوی حقوقی، هر روز پیچیده‌تر می‌شود عامل مهم دیگری است که نه تنها مدیران شرکت‌ها را به پذیرش استانداردهای محافظه‌کارانه‌تر مجبور می‌کند بلکه بر حرفه حسابرسی و به‌ویژه خدمات اعتباربخشی مؤسسات حسابرسی نیز اثرگذار بوده و آنان را به اعمال دقت حرفه‌ای مضاعف در اظهارنظر نسبت به مطلوبیت ارائه صورت‌های مالی شرکت‌ها ملزم می‌نماید. تعدد استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی حسابرسی شده که به دلیل عملکرد و قضاوت نادرست حسابرسان ممکن است دچار زیان‌های مالی شوند نیز می‌تواند مسئولیت حسابرسان را دوچندان کند بنابراین انتظار می‌رود حسابرسان نیز درصدد رعایت محافظه‌کاری در فرآیند حسابرسی، از مرحله‌ی انتخاب صاحبکار تا برنامه‌ریزی حسابرسی، نحوه‌ی عمل حسابرسی و نیز ارائه گزارش حسابرسی باشند.

[1] Auditors
[2] Husbandry
[3] Faithful & Prudent

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

با وجود این‌که برخی معتقدند وجود بیمه مسئولیت حرفه‌ای می‌تواند در مدیریت ریسک حرفه‌ای حسابرسان (که به استمرار اعتماد به حرفه منتج شده و این اعتماد متضمن ادامه حیات و بقای حرفه‌ی حسابرسی خواهد بود) مؤثر باشد[۱] اما اقدامات بیمه و حتی تنوع‌بخشی کارها نیز نمی‌تواند به‌طور کامل، ماهیت ریسک را منتقل نماید زیرا در این صورت انگیزه‌ای برای حسابرسان برای انجام حسابرسی با کیفیت وجود نخواهد داشت و لذا حتی بیمه‌گذاران نیز از این خطر اخلاقی، اجتناب خواهند کرد (لنوکس و کوثر[۲]،۲۰۱۷) پس می‌توان گفت حسابرسان حتی علی‌رغم استفاده از خدمات بیمه مسئولیت حرفه‌ای نیز، باید محافظه‌کاری را در کار خود مدنظر قرار دهند.

مشابه با دلایل محافظه‌کاری در حسابداری از دیدگاه هندریکسون، ون بردا و میشل[۳] (۱۹۹۲) نیز می‌توان به تبیین برخی دیگر از دلایل محافظه‌کاری در حسابرسی پرداخت؛ زیرا حسابرسان به‌عنوان افراد متخصص و حرفه‌ای هستند که قدرت، صلاحیت و مسئولیت اظهارنظر درباره ایفای وظیفه‌ی مباشرت مدیرانی را بر عهده دارند که می‌توانند با ذی‌نفعان، تضاد منافع داشته باشند و اظهارنظر نادرست حسابرس در خصوص زیان و یا ورشکستگی آن‌ها، می‌تواند پیامدهای جبران‌ناپذیری برای حسابرس نیز به همراه داشته باشد. پس حسابرسان به‌منظور جلوگیری از وقوع خطای نوع اول (خطر رد نادرست) و یا خطای نوع دوم (خطر پذیرش نادرست) در حوزه‌ی گزارش حسابرسی، با نوعی احتیاط به ادعاهای مدیریت پرداخته و محافظه‌کارانه رفتار خواهند کرد.

با بررسی تبیین‌های چهارگانه واتس[۴] (۲۰۰۳) برای گزارش‌گری مالی محافظه‌کارانه در قالب‌های قراردادی، قانونی، مالیات بر درآمد و دعاوی حقوقی نیز می‌توان دلایلی برای رفتارهای محافظه‌کارانه حسابرسان بیان کرد؛ از منظر قراردادی، به دلیل رسالت حسابرسان در اعتباربخشی به گزارش‌های مالی واحدهای تجاری برای استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی (به‌خصوص، با توجه به عدم تقارن اطلاعاتی بین استفاده‌کنندگان درون و برون‌سازمانی) و به‌تبع آن انتظاری که از حسابرسان می‌رود تا به وضعیت‌ها، شرایط و اطلاعاتی که می‌تواند به حفاظت از منابع متعلق به این استفاده‌کنندگان کمک نماید، حسابرسان باید در رسیدگی‌ها و نیز اظهارنظر خود (که در قالب صورت‌های مالی حسابرسی شده در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد) دقت نظر داشته باشند لذا حسابرسان محافظه‌کاری را مدنظر قرار خواهند داد. دهالیوال و همکاران[۵] (۲۰۱۱) نیز بیان می‌کنند حسابرسان در قبال مطالبات دارندگان اوراق قرضه، در شرایط بازار رقابتی و با افزایش خطر ناتوانی در پرداخت، باید در محافظت از شروط قرارداد، پاسخگوتر باشند. از دیدگاه قانونی هم به دلیل این‌که محافظه‌کاری می‌تواند از بار هزینه‌های سیاسی حسابرسی بکاهد لذا انتظار می‌رود در فرآیند سیاست‌گذاری حسابرسی نیز محافظه‌کاری در دستور کار آن‌ها قرار گیرد. به بیان دیگر، حسابرسان هرچقدر تعهد قانونی بیشتری داشته باشند رفتار محافظه‌کارانه‌تری را از خود نشان خواهند داد (باسو، هوانگ و جان[۶]، ۲۰۰۲). به‌علاوه در ایران و به‌موجب قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹، ماده‌ی ۱۵۱ اصلاحیه‌ی قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ و نیز تبصره‌ی ماده‌ی ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی، همچنین قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی‌صلاح به‌عنوان حسابدار رسمی و نیز مـــواد ۵ و ۶ (اصلاحی) آیین‌نامه‌ی اجرایی تبصره‌ی ۴ ماده‌ی واحده‌ی قانون مذکور، حسابرس در اجرای وظایف بازرس قانونی (و حسابرسی) خود ضرورت دارد همواره به فکر پاسخگویی به مقامات قانونی در حوزه‌های مختلف از جمله تخلف، تقصیر و جرم باشد؛ در نتیجه معمولاً بر اساس احتیاط و محافظه‌کاری عمل خواهد کرد.[۷]

---

[۱] امیرخسرو (۱۳۸۴) در پژوهشی با عنوان بررسی ایجاد بیمه مسئولیت حرفه‌ای حسابرسان، دریافت که این بیمه موجب افزایش دقت حسابرسان در انجام مسئولیتشان شده، جسارت و آزادی عمل بیشتری به حسابرسان می‌دهد و باعث کاهش ریسک آن‌ها می‌شود، به افزایش آگاهی جامعه از حرفه‌ی حسابرسی می‌انجامد، عاملی برای حل‌وفصل اختلافات و ایجاد صلح و سازش در جامعه است و باعث جلب اعتماد گروه‌های ذینفع از گزارش‌های حسابرسی می‌شود.

[2] Lennox & Kausar

[3] Hendriksen, Van Breda & Michael

[4] Watts

[5] Dhaliwal, Huang, Khurana & Pereira

[6] Basu, Hwang & Jan

[۷] در ماده‌واحده قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذیصلاح به‌عنوان حسابدار رسمی نیز به اعمال نظارت مالی بر واحدهای تولیدی، بازرگانی و خدماتی و همچنین حصول اطمینان از قابل‌اعتماد بودن صورت‌های مالی واحدهای مزبور در جهت حفظ منافع عمومی، صاحبان سرمایه و دیگر اشخاص ذی‌حق و ذینفع به‌عنوان رسالت جامعه حسابداران رسمی ایران اشاره‌کرده است. قانون مالیات‌های مستقیم و به‌ویژه ماده ۲۷۲ آن قانون نیز می‌تواند مسئولیت‌هایی را بر حسابرس تحمیل نماید.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

از دیدگاه مالیات بر درآمد نیز حسابرسان، هم به دلیل مسئولیت قانونی‌شان نسبت به جامعه (برای تحقق صحیح و به هنگام درآمدهای عمومی دولت) و هم به دلیل انتظارات صاحبکار در حوزه‌ی استفاده از مزایای مالیاتی و نیز جلوگیری از جرائم بالقوه مربوط، سعی خواهند کرد رفتار محافظه‌کارانه‌ای را اتخاذ کنند. از نگاه دعاوی حقوقی نیز حسابرسان به دنبال شیوه‌هایی هستند که کمترین دعاوی حقوقی برعلیه آن‌ها صادر شود. لذا از منظر فرضیه‌ی رفتاری که بیان می‌شود بدبینی از خوش‌بینی بهتر بوده و به عبارت دیگر استفاده‌کنندگان و خصوصاً اعتباردهندگان، بیشتر خواهان داشتن اطلاعات به هنگام‌تر درباره اخبار بد هستند زیرا ارزش ادعای آن‌ها به یک کاهش در ارزش شرکت، به‌مراتب حساس‌تر از آن است که در ارزش شرکت، افزایشی به وجود آید (باسو[1]،۱۹۹۷)، همچنین با توجه به گران شدن بیمه مسئولیت حسابرسان که باید انتظار داشت حسابرسان اخبار بد را حتی به هنگام تر از مدیران مدنظر قرار دهند (باسو، هوانگ و جان،۲۰۰۲) حسابرسان احتمالاً رفتار محافظه‌کارانه‌تری را دنبال خواهند کرد.

از منظر دیگر نیز، انتقال مسئولیت مدیران به حسابرسان در شرایط بحران‌ها و ورشکستگی شرکت‌ها و نیز سیاست مصون-سازی دولتمردان و سیاستمداران با استفاده از سپر حسابرسان در این شرایط (حساس یگانه،۱۳۸۴) و انتظارات جامعه که گاهی فراتر از استانداردهای حرفه‌ای برای حسابرسان شکل گرفته است همچنین تعدد و حجم بحران‌ها و رسوایی‌های مالی شرکت‌ها که به حرفه حسابداری و حسابرسی، نقش اساسی دیگری در مباحثی جدید از جمله مسئولیت اجتماعی یا اخلاق اجتماعی شرکت‌ها نیز منتسب کرده است موجب شده تا دقت و تمرکز بر حسابرسان و اعمال آن‌ها دقیق‌تر از قبل شده و به همین نسبت انتظارات از آن‌ها نیز افزایش یابد لذا حسابرسان تلاش خواهند کرد به‌گونه‌ای عمل کنند که کمترین هزینه‌های احتمالی را در این شرایط متحمل شوند.

علاوه بر این، بر اساس نظر موتز و شرف[2] (۱۹۶۱)، مفهوم مراقبت حرفه‌ای نیز مبتنی بر محتاط بودن افراد شاغل در حسابرسی است به این صورت که مفهوم حسابرس محتاط، تصویری از یک کارشناس است که قضاوت حرفه‌ای خود را تا حد ممکن، بر اساس هنجارهای حرفه و انتظارات زمان خود و همچنین بر مبنای تجارب حسابرسی پیشین خویش اعمال می‌کند. همچنین حسابرسان مستقل، متخصصانی هستند که مدعی خدمت در جهت منافع عمومی با استفاده از یک مبنای معتبر علمی هستند و به‌عنوان ناظران عمومی در جهت منافع جامعه ایفای نقش کرده و بر عملکرد واحدهای گزارشگر نظارت و گزارش‌های مالی آن‌ها را گواهی کرده و اعتبار می‌بخشند (حساس‌یگانه، ۱۳۸۴) پس در یک نگاه کلی، اگر حسابرسان به‌گونه‌ای عمل کنند که مطلوبیت حسابرسی برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالیِ حسابرسی شده و اظهارنظر آن‌ها، مورد شک و تردید قرار گرفته و باعث شود سهامداران و سایر گروه‌های ذی‌نفع، اطمینانی به اظهارنظر آن‌ها و اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی نداشته باشند دلیلی برای حیات و بقای حرفه حسابرسی وجود نخواهد داشت؛ پس حسابرسان لازم است در راستای رعایت آیین رفتار حرفه‌ای، ضمن دقت به موضوع مراقبت حرفه‌ای، محافظه‌کارانه رفتار کنند.

اما هدف کلی حسابرس، کسب اطمینان معقول درباره این موضوع است که صورت‌های مالی، از همه جنبه‌های بااهمیت، عاری از تحریف باشد تا وی بر مبنای یافته‌های حسابرسی، نسبت به‌صورت‌های مالی، اطلاع‌رسانی لازم را بر اساس استانداردهای حسابرسی انجام دهد؛ برای به دست آوردن اطمینان معقول، حسابرس باید شواهد کافی و مناسبی را به دست آورد تا خطر حسابرسی را به سطح پایین و قابل‌قبولی کاهش دهد و به‌وسیله آن بتواند به نتیجه معقولی رسیده و مبنایی برای اظهارنظر خود فراهم آورد. خطر حسابـرسی به معنی اظهارنظر نامناسب حسابرس نسبت به‌صورت‌های مالی است که تحریف بااهمیت دارد و تابعی از خطر تحریف بااهمیت و خطر عدم کشف است. دو جزء خطرهای تحریف بااهمیت، یعنی خطر ذاتی و خطر کنترل، خطرهای مربوط به واحد تجاری بوده و مستقل از حسابرسی صورت‌های مالی نیز وجود دارند. خطر ذاتی می‌تواند هم متأثر از شرایط درون‌سازمانی (مانند کمبود سرمایه در گردش مورد نیاز برای ادامه عملیات) و هم تحت تأثیر شرایط برون‌سازمانی که سبب پیدایش خطرهای تجاری می‌شود (مانند پیشرفت‌های فن‌آوری که می‌تواند محصولی را از رده خارج کند) قرار گیرد. ارزیابی این خطرها، اساساً با اعمال قضاوت حرفه‌ای و نه با اندازه‌گیری دقیق انجام می‌شود. حسابرس با وجود

[1] Basu
[2] Mautz & sharaf

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

آن‌که پس از ارزیابی عوامل گوناگون، قضاوت حرفه‌ای خود را در برآورد خطر ذاتی انجام می‌دهد ولی خطر ذاتی برخی ادعاها و موارد افشای مربوط، مثلاً محاسبات پیچیده یا برآوردهای حسابداری توأم با ابهام عمده، معمولاً بیشتر از سایر ادعاهاست زیرا این موارد به‌طور ذاتی تغییرپذیر بوده و با گسترش روش‌های حسابرسی هم نمی‌توان آن‌ها را حذف کرد؛ اما با این اوصاف، همچنان استانداردهای حسابرسی، حسابرس را ملزم می‌کند تا معقول بودن این برآوردهای حسابداری را با توجه به چارچوب گزارشگری مالی و موارد افشای مربوط و جنبه‌های کیفی رویه‌های حسابداری واحد تجاری شامل نشانه‌هایی از جانب‌داری احتمالی در قضاوت‌های مدیران اجرایی، مورد بررسی قرار دهد؛ بنابراین آثار بالقوه محدودیت‌های ذاتی بر توانایی حسابرس برای کشف تحریف‌های بااهمیت، در مورد برخی ادعاها یا موضوعات مورد رسیدگی و از جمله رویدادها و شرایط آتی که ممکن است موجب توقف فعالیت واحد تجاری و ورشکستگی آن واحد شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

استانداردهای حسابرسی، رویدادها یا شرایطی که به‌تنهایی یا درمجموع ممکن است تردیدی عمده درباره ورشکستگی واحد تجاری ایجاد کند را در سه طبقه‌ی نشانه‌های مالی، نشانه‌های عملیاتی و سایر نشانه‌ها بیان کرده است. البته اهمیت چنین رویدادها یا شرایطی اغلب می‌تواند توسط عوامل دیگری کاهش یابد. حال با عنایت به این‌که یکی از مسئولیت‌های حسابرس، بررسی مناسب بودن استفاده مدیریت از فرض تداوم فعالیت در تهیه صورت‌های مالی و بررسی احتمال وجود ابهام‌های بااهمیت یا اساسی درباره ورشکستگی و یا عدم ورشکستگی واحد مورد رسیدگی است وی، هم در برنامه‌ریزی حسابرسی باید احتمال وجود رویدادها یا شرایط مؤثر در این خصوص را مورد توجه قرار دهد و هم در انجام عملیات حسابرسی همواره باید نسبت به شواهد مربوط به آن رویدادها یا شرایط هوشیار باشد. حسابرس در صورت شناسایی این‌گونه رویدادها یا شرایط، باید چگونگی تأثیر آن‌ها را بر برآورد خود از اجزای خطر حسابرسی نیز مورد توجه قرار داده و مبانی مناسبی را برای اظهارنظر خود فراهم آورد. وی با توجه به میزان اهمیت ابهام درباره‌ی تداوم فعالیت شرکت صاحبکار، اظهارنظر مقبول (البته با افزودن یک‌بند توضیحی)، اظهارنظر مشروط، اظهارنظر مردود و یا حتی عدم اظهارنظر ارائه خواهد کرد (کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی، ۱۳۹۶) اما با توجه به این‌که صدور اظهارنظر تداوم فعالیت می‌تواند به‌مثابه یک پیش‌بینی ورشکستگی تلقی شود و می‌تواند یک واکنش منفی قیمتی در بازار سرمایه به همراه داشته باشد و حتی بازده نزولی منفی ۱۴ درصدی در دوره یک‌ساله پس از صدور بند تداوم فعالیت ایجاد کند (کوثر، تافلر و تان،۲۰۰۹[1]) یا این‌که اطلاعات مربوط به ارزیابی ویژه شرکت را فراتر از اطلاعاتی که از قبل در دسترس عموم بوده است، در اختیار بازار قرار داده و تغییراتی را نیز در ارزیابی بازار از یک شرکت با تغییر تمرکز غالب از سود خالص به سمت ارزیابی‌های مبتنی بر دارایی‌ها و بدهی‌های صورت وضعیت مالی ایجاد کند (بلی و همکاران[2]، ۲۰۱۱) یا این‌که تا میزانی که صدور بند تداوم فعالیت، اطلاعات خصوصی حسابرس (یعنی اطلاعاتی که در دسترس سرمایه‌گذاران نیست) را منعکس می‌کند صدور این بند بر ارزش‌گذاری بازار سهام شرکت‌ها تأثیرگذار است (کارسون و همکاران[3]، ۲۰۱۲) و به عبارت دیگر این اظهارنظر، محتوای اطلاعاتی داشته و مبنای بسیاری از تصمیم‌های استفاده‌کنندگان قرار می‌گیرد مسئولیت حسابرس حساس‌تر خواهد بود.

پس در یک نگاه کلی، حسابرسان با توجه به این‌که از طرفی ریسک گریز هستند (لنوکس و کوثر،۲۰۱۷) و از سوی دیگر، گزارش‌های آن‌ها یکی از منابع اطلاعاتی بااهمیت برای تصمیم‌گیری و قضاوت به شمار می‌رود با استفاده از این ابزار علامت-دهی، علاوه بر این‌که می‌توانند به تخصیص بهینه منابع محدود اقتصادی و به دنبال آن رشد و شکوفایی اقتصاد کشور، کم‌رنگ کردن هزینه‌های اجتماعی و سیاسی ورشکستگی در جامعه (به مردم و دولت)، حفظ منافع سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان و جلوگیری از زیان دیدن آن‌ها و رونق بیشتر بازار سرمایه کمک کنند، به دنبال آن خواهند بود با ارائه اظهارنظر مناسب، بقا و مقبولیت حرفه را نیز محفوظ و تقویت نمایند و ضمن کسب و حفظ شهرت حرفه‌ای، از اتهام به سهل‌انگاری و نداشتن استقلال، برای خود مصونیت ایجاد کرده و ریسک دعاوی حقوقی خود را کاهش دهند لذا آن‌ها مسیری را دنبال خواهند کرد که کمترین زیان احتمالی را در مواجهه با ورشکستگی مشتریان خود متحمل شوند بنابراین انتظار می‌رود در راستای دستیابی به هدف‌های مذکور و در شرایطی که خطر ورشکستگی صاحبکار بالاتر باشد محافظه‌کارانه رفتار نمایند. این رفتار می‌تواند در

[1] Kausar, Tafler & Tan
[2] Blay, Geiger & North
[3] Carson, Fargher, Geiger, Lennox, Raghunandan & Willekens

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

قالب اظهارنظرهای محافظه‌کارانه یا درخواست حق‌الزحمه بیشتر، خود را نشان دهد؛ بنابراین حسابرس احتمالاً در برخورد با این شرایط و به‌منظور جلوگیری از شکست حسابرسی، اظهارنظرهای محتاطانه‌تر که همان اظهارنظر ابهام در تداوم فعالیت صاحبکار است، صادر خواهد کرد و یا در همین راستا، با انجام گسترده‌تر رسیدگی‌ها و آزمون‌های محتوای بیشتر برای کسب شواهد متقاعدکننده‌تر و به‌منظور کاهش خطر حسابرسی، تلاش‌های بیشتری را انجام داده و یا انتظار دریافت صرف ریسک بیشتری خواهد داشت بنابراین ممکن است حق‌الزحمه‌های بیشتری را نیز مطالبه نماید.

پژوهش‌های پیشین

در پژوهش‌های داخلی، پژوهشی به‌طور مستقیم به بررسی اثر خطر ورشکستگی بر محافظه‌کاری حسابرس نپرداخته است با این حال در این بخش به خلاصه برخی از پژوهش‌هایی پرداخته می‌شود که تا حدودی مرتبط با موضوع مذکور است.

شورورزی، زنده‌دل و اسماعیل‌زاده (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان مقایسه‌ی اظهارنظر حسابرسان مستقل و متغیرهای مالی در پیش‌بینی ورشکستگی، به بررسی این موضوع پرداختند که آیا اظهارنظر حسابرس مستقل در شرایط ابهام در مورد تداوم فعالیت می‌تواند ورشکستگی در دوره مالی بعد را بهتر از متغیرهای مالی به‌صورت توأم پیش‌بینی کند. در این پژوهش داده‌های ۶۰ شرکت پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۸۱ تا ۱۳۸۷، با استفاده از مدل رگرسیون لجستیک آزمون شده و نتایج پژوهش نشان می‌دهد که متغیرهای مالی به‌صورت توأم و اظهارنظر حسابرس مستقل، هر دو توانایی پیش‌بینی ورشکستگی در دوره‌ی مالی آتی را داشته اما اظهارنظر حسابرس مستقل، برتری معناداری نسبت به متغیرهای مالی دارد.

حاجیها و غلامیان (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین انواع اظهارنظر حسابرسی با پایداری سود، با استفاده از داده‌های ۹۵ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۳ و با کاربست مدل رگرسیون چندگانه به این نتیجه رسیدند که اظهارنظرهای مختلف حسابرسی، رابطه معناداری با پایداری سود دارد.

فرج زاده دهکردی و حیدری (۱۳۹۶) نیز در پژوهشی دیگر با عنوان رابطه بین توانایی مدیریت با حق‌الزحمه و اظهارنظر حسابرسی پیرامون تداوم فعالیت، به بررسی چگونگی ارتباط توانایی مدیریت (که با معیار ارائه شده دمرجان و همکاران (۲۰۱۲) محاسبه می‌شود) با حق‌الزحمه و اظهارنظر حسابرسی به دلیل ابهام در تداوم فعالیت، با استفاده از داده‌های ۹۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۲ پرداختند و با استفاده از روش‌های رگرسیون حداقل مربعات معمولی و لجستیک برای آزمون فرضیه‌های پژوهش دریافتند که با افزایش توانایی مدیران، حق‌الزحمه حسابرسی و نیز احتمال وجود بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی واحد تجاری کاهش می‌یابد.

عبدی، زلقی و کاظمی‌علوم (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان رابطه‌ی محافظه‌کاری با استراتژی‌های حسابرسان به‌منظور مواجهه با ریسک صاحبکار و با استفاده از داده‌های ۱۳۶ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳، به این نتیجه رسیدند که محافظه‌کاری صاحبکار، حق‌الزحمه حسابرسی را کاهش می‌دهد؛ به‌علاوه بین محافظه‌کاری مشروط صاحبکار و صدور بند تداوم فعالیت توسط حسابرس و نیز بین محافظه‌کاری مشروط صاحبکار و تناوب تغییر حسابرس رابطه‌ی معکوس و معناداری وجود دارد.

نیکبخت، عمرانی و آخوندی (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی با عنوان استراتژی تجاری صاحبکار و حق‌الزحمه حسابرسی، با استفاده از داده‌های ۶۰ شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۴ و با کاربست مدل رگرسیون خطی چندگانه دریافتند که استراتژی تهاجمی در مقایسه با استراتژی تدافعی، ارتباط مثبت قوی‌تری با حق‌الزحمه حسابرسی دارد.

دیفوند، راگوناندان و سابرامانیام[1] (۲۰۰۲) نیز در ایالات‌متحده آمریکا در پژوهشی با عنوان آیا حق‌الزحمه خدمات غیر حسابرسی، به استقلال حسابرس (که به‌وسیله دقت حسابرس در صدور بند تداوم فعالیت، نمایندگی می‌شد) آسیب می‌زند و با استفاده از رگرسیون‌های لجستیک و نیز پروبیت، برای سال ۲۰۰۰، به این نتیجه رسیدند که ارتباط معناداری بین حق‌الزحمه

[1] Defond, Raghunandan & Subramanyam

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

خدمات غیر حسابرسی، حق‌الزحمه خدمات حسابرسی و نیز حق‌الزحمه کل حسابرس، با صدور بند تداوم فعالیت حسابرس وجود ندارد.

کاپلن و ویلیامز[1] (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان این‌که آیا گزارش‌های تداوم فعالیت، حسابرسان را در مقابل دعاوی حقوقی حمایت می‌کند به بررسی ارتباط بین ریسک دعاوی حقوقی حسابرس و تعقیب وی توسط سرمایه‌گذاران، با احتمال صدور گزارش تداوم فعالیت آن‌ها در دوره زمانی ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۹ و با استفاده از معادلات هم‌زمان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که گزارش تداوم فعالیت حسابرس، با ریسک مورد انتظار دعاوی حقوقی وی در ارتباط است و حسابرسان صدور گزارش تداوم فعالیت را به‌عنوان یک اقدام پیشگیرانه در پاسخ به ارزیابی سطح ریسک دعاوی حقوقی (که سازگار با استانداردهای حسابرسی هم هست) مدنظر قرار می‌دهند. از طرف دیگر سرمایه‌گذاران نیز به‌منظور تعقیب حسابرسان، به گزارش حسابرسی آن‌ها، دقت کافی را خواهند داشت.

برایان و ماسون[2] (۲۰۱۷) در پژوهش خود با عنوان انگیزه‌های رقابتی مدیران اجرایی و حق‌الزحمه حسابرسی، برای دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۴ و با استفاده از رگرسیون حداقل مربعات معمولی، دریافتند که در ایالات‌متحده آمریکا، هرچقدر پاداش‌های مدیران غیر اجرایی که در آینده مدیرعامل خواهند شد بیشتر باشد می‌تواند تهدیدی برای یکپارچگی و عدم ارائه منصفانه گزارش‌های مالی شده و بر روی ادراک حسابرس از ریسک حسابرسی و نیز ریسک تجاری وی تأثیرگذار بوده و در نهایت منجر به حسابرسی‌های گران‌قیمت‌تر می‌شود.

سنسیارلی، گرکو و آلگرینی[3] (۲۰۱۸) در پژوهش خود با عنوان حسابرسی مستقل و پیش‌بینی ورشکستگی، به بررسی ارتباط بین چهار ویژگی حسابرس مستقل (شامل تخصص صنعت، اندازه‌ی موسسه حسابرسی، مدت‌زمان تصدی حسابرس و حق‌الزحمه حسابرسی) و احتمال ورشکستگی شرکت‌های ایالات‌متحده آمریکا برای دوره زمانی ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۴، با استفاده از رگرسیون لجستیک پرداختند و به این نتیجه رسیدند که شمول این ویژگی‌ها در مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی، توانایی پیش‌بینی آن‌ها را بهبود می‌بخشد. همچنین شرکت‌هایی که توسط حسابرسان متخصص صنعت، موسسه‌های حسابرسی بزرگ و با مدت‌زمان تصدی زیاد، حسابرسی می‌شوند کمتر دچار مشکل ورشکستگی شده‌اند و به‌طور معکوس، شرکت‌های با حق-الزحمه‌های بالای حسابرسی، بیشتر ورشکسته شده‌اند. آن‌ها همچنین پیشنهاد کردند که اگر مدل‌های پیش‌بینی ورشکستگی، با داده‌های حسابرسی تکمیل شوند می‌توانند مؤثرتر باشند.

فرضیه‌های پژوهش

بر این اساس مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر تدوین می‌شوند:

فرضیه اول: خطر ورشکستگی صاحبکار، بر صدور بند ابهام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرس، تأثیر مثبت دارد.

فرضیه دوم: خطر ورشکستگی صاحبکار، بر میزان حق‌الزحمه حسابرس، تأثیر مثبت دارد.

روش پژوهش

در این بخش، نوع پژوهش، جامعه آماری، نمونه و دوره زمانی پژوهش و نیز مراحل اجرایی پژوهش بیان می‌شود.

نوع پژوهش

[1] Kapln & Williams
[2] Bryan & Mason
[3] Cenciarelli, Greco & Allegrini

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

این پژوهش، از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش، یک پژوهش توصیفی از نوع پژوهش‌های پس‌رویدادی است که مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت‌های مالی، گزارش حسابرس، اطلاعات نزد جامعه حسابداران رسمی ایران و نیز اطلاعات بازار برای شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که با روش استقرایی به کل جامعه آماری قابل‌تعمیم خواهد بود.

جامعه آماری، نمونه و دوره زمانی پژوهش

پژوهش حاضر با استفاده از اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی سال ۱۳۸۶ تا سال ۱۳۹۶ انجام شده است؛ البته دوره‌ی زمانی آزمون فرضیه‌ها از سال ۱۳۹۱ لغایت سال ۱۳۹۶ می‌باشد اما برای محاسبه‌ی متغیرها، به اطلاعات ۵ سال قبل از دوره زمانی آزمون فرضیه‌ها برای شرکت‌های منتخب، نیاز بوده است. در تعیین جامعه در دسترس، از روش حذف سامانمند استفاده شده و جامعه‌ی آماری مذکور، شامل شرکت‌هایی است که

۱. طی دوره پژوهش، در بورس اوراق بهادار تهران حضور داشته باشند. ۲. فعالیت آن‌ها در صنعت مالی و بانکی و واسطه-گری‌های مالی نباشد. ۳. سال مالی آن‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد. ۴. در بازده زمانی پژوهش، سال مالی خود را تغییر نداده باشند. ۵. اطلاعات آن‌ها در دسترس باشد.

پس جامعه‌ی آماری شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که با تعدیل جامعه‌ی مذکور به وسیلهٔ محدودیت‌های فوق، ۱۱۰ شرکت به‌عنوان جامعه آماری در دسترس، تعیین و از داده‌های آن‌ها برای آزمون فرضیه‌ها استفاده شد. همچنین برای دسته‌بندی و آماده‌سازی داده‌ها و محاسبات اولیه متغیرهای پژوهش از نرم‌افزار اکسل استفاده شده و محاسبات نهایی، آزمون فرضیه‌ها و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار استتا نسخه ۱۵ و با کاربست مدل‌های رگرسیونی چندگانه و نیز پروبیت، آماره‌های z، t و F انجام شد که در ادامه به تشریح آن‌ها پرداخته می‌شود.

مراحل اجرایی پژوهش

برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، ابتدا لازم است متغیر مستقل پژوهش که همان خطر ورشکستگی واحد مورد رسیدگی است، برآورد شود. سپس منطبق با مبانی نظری که در بخش قبلی به آن پرداخته شد و با در نظر گرفتن سایر عواملی که می‌تواند در محافظه‌کاری حسابرس نقش داشته باشد اثر خطر ورشکستگی صاحبکار بر رفتار محافظه‌کارانه حسابرس بررسی می‌شود.

متغیرهای پژوهش

متغیر مستقل

به‌منظور مشخص کردن متغیر مستقل (خطر ورشکستگی صاحبکار)، ابتدا با توجه به نتایج پژوهش‌های متعدد قبلی که در حوزه پیش‌بینی ورشکستگی انجام شده است از جمله آلتمن[1] (۱۹۶۸)، اولسون[2] (۱۹۸۰)، زمیچوسکی[3] (۱۹۸۴)، شیراتا[4] (۱۹۹۸)، شام وی[5] (۲۰۰۱)، باراس و شام‌وی[6] (۲۰۰۸)، کمپل، هیلشر و زیلاجی[7] (۲۰۰۸)، کوریا، ریچاردسون وتیونا[8] (۲۰۱۲)، بیور، کوریا و مک نیکولز[9] (۲۰۱۲) و نیز سلیمانی امیری (۱۳۸۲) و کردستانی و تاتلی (۱۳۹۳) و با استفاده از راهبرد بیزی، متغیرهای اثربخش شناسایی شدند[10] و نهایتاً از طریق رابطه (۱) نسبت به تخمین خطر ورشکستگی اقدام شد.

---

[1] Altman
[2] Ohlson
[3] Zmijewski
[4] Shirata
[5] Shumway
[6] Bharat & Shumway
[7] Campbell, Hilscher & Szilagyi
[8] Correia, Richardson & Tuna
[9] Beaver, Correira & McNichols

[10] پس از شناسایی ۳۱ متغیر مستقل بااهمیت در پیش‌بینی خطر ورشکستگی شرکت‌ها و نیز انجام آزمون همبستگی متغیرها، متغیرهای مستقل مذکور بر روی متغیر وابسته خطر ورشکستگی که با استفاده از معیار ماده ۱۴۱ قانون تجارت سنجیده شد با استفاده از راهبرد بیزی، برازش داده و نتایج که شش متغیر مؤثر برای پیش‌بینی خطر ورشکستگی را شناسایی نمود تا در مدل نهایی از آن‌ها استفاده شود تعیین شدند. متغیرهای مؤثر برای برآورد

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

$$B^* = \alpha X + \varepsilon \quad (۱)$$

در رابطه فوق؛

B^* نشان‌دهنده‌ی نقطه خطر ورشکستگی و متغیرهای مستقل (**X**) شامل عرض از مبدأ و نسبت‌های مالی شناسایی‌شده به‌عنوان متغیرهای مؤثر در پیش‌بینی خطر ورشکستگی، یعنی نسبت‌های مالی سود انباشته به کل دارایی‌ها، تغییر در سود خالص به مجموع قدر مطلق سود هر دو سال، اهرم مالی (نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها)، متغیر مجازی مازاد بدهی‌ها بر دارایی‌ها (اگر کل بدهی‌ها بزرگ‌تر از کل دارایی‌ها باشد شناسه یک و در غیر این صورت شناسه صفر)، متغیر مجازی شاخص زیان (اگر شرکتی زیان گزارش کرده باشد شناسه یک و در غیر این صورت شناسه صفر) و نیز نسبت ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری کل بدهی‌ها می‌باشد. به بیان دیگر از آنجایی که خطر ورشکستگی، (ریسکی که شرکت در آینده دچار ورشکستگی می‌شود) معلول برداری از پارامترهای (α) و عبارت خطا (ε) و مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل (x) بوده و لذا باید برآورد شود، به‌صورت مشترک، برای آزمون هر دو فرضیه، مدل پیش‌بینی ورشکستگی مذکور را برای دوره زمانی پنج سال قبل تخمین زده و از ضرایب حاصله (α) آن مدل، بـرای برآورد خطر ورشکستگی هر شرکت در سال بعد، استفاده می‌شود. به عبارت دیگر برای برآورد خطر ورشکستگی هر شرکت ($\widehat{B}^*$) از حاصل‌ضرب بردار پارامترهای برآورد شده ($\widehat{a}$) در متغیرهای اثربخش و مؤثر بر پیش‌بینی ورشکستگی (x های شناسایی‌شده) استفاده می‌شود یعنی $\widehat{B}^* = \widehat{a}\,X$؛ به‌عنوان مثال مدل ورشکستگی (مدل یک) با استفاده از متغیرهای اثرگذار شناسایی شده بر ورشکستگی شرکت صاحبکار، برای دوره پنج ساله ۱۳۸۶ لغایت۱۳۹۰ تخمین زده شده و با استفاده از ضرایب به دست آمده برای هر متغیر مستقل مؤثر بر این برآورد، خطر ورشکستگی برای هر شرکت، برای سال ۱۳۹۱، محاسبه می‌شود. بنابراین لازم است مدل (۱) را به‌صورت مجزا برای سال‌های ۱۳۸۶ لغایت ۱۳۹۰، ۱۳۸۷ لغایت ۱۳۹۱، ۱۳۸۸ لغایت ۱۳۹۲، ۱۳۸۹ لغایت ۱۳۹۳، ۱۳۹۰ لغایت ۱۳۹۴ و ۱۳۹۱ لغایت ۱۳۹۵ اجرا کرده و از ضرایب حاصل متغیرهای مستقل، به ترتیب، برای برآورد خطر ورشکستگی ($\widehat{B}^*$)، در سال‌های ۱۳۹۱، ۱۳۹۲، ۱۳۹۳، ۱۳۹۴، ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ برای شرکت‌های جامعه در دسترس، استفاده کرد.

متغیر وابسته

متغیر وابسته پژوهش، محافظه‌کاری حسابرس است که بر اساس مبانی نظری که قبل‌تر بیان شد با معیارهای صدور بنـد ابهـام در تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی و نیز حق‌الزحمه حسابرسی اندازه‌گیری می‌شود.

آزمون فرضیه‌های پژوهش

پس از برآورد متغیر خطر ورشکستگی، برای آزمون فرضیه‌ها به شرح زیر عمل می‌شود:

برای آزمون فرضیه اول، از مدل رگرسیون پروبیت زیر، پس از کنترل اثرات سال و شرکت، استفاده می‌شود:

$$GC^* = B_0 + B_1\,\widehat{B}^* + B_2\,W_{GC} + B_3\,A_{GC} + \nu \quad (۲)$$

که در آن با توجه به این‌که GC^* یک متغیر پنهان[1] است اگر GC = ۱ (یعنی شرکت، گزارش حسابرسی با بند تداوم فعالیت دریافت کرده باشد) آنگاه طبق تعریف متغیر پنهان،$GC^* \geq 0$ و اگر GC =۰ (یعنی شرکت، گزارش حسابرسی با بند تداوم فعالیت دریافت نکرده باشد) آنگاه$GC^* < 0$ (گرین[2]، ۲۰۱۱). به بیان دیگر، به دلیل اینکه پیچیدگی، ماهیت و شرایط فعالیت تجاری شخصیت گزارشگر و نیز وضعیت اقتصاد کلان در قضاوت حسابرس مؤثر است و حسابرس می‌تواند به دلایل مختلف، بند ابهام در تداوم فعالیت را در گزارش خود (با اظهارنظر مقبول (البته با افزودن یک‌بند توضیحی)، اظهارنظر مشروط، اظهارنظر مـردود و یا حتی عدم اظهارنظر) ارائه کند و شرکت‌هایی که این بند را دریافت کرده‌اند، کاملاً با یکدیگر، مشابه نیستند، لذا می‌توان بیان نمود که این متغیر از نوع متغیر پنهان است.

$\widehat{B}^*$ نشان‌دهنده برآوردهای خطر ورشکستگی (شرکت سال)،

خطر ورشکستگی، شامل سود انباشته به کل دارایی‌ها، تغییر در سود خالص به مجموع قدر مطلق سود هر دو سال، اهرم مالی، ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام به ارزش‌دفتری کل بدهی‌ها، متغیر مجازی مازاد بدهی‌ها بر دارایی‌ها و متغیر مجازی شاخص زیان بودند.

[1] Latent
[2] Greene

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

W_{GC} نشان‌دهنده ویژگی‌های خاص شرکت برای کنترل عوامل تعیین‌کننده و شناخته‌شده‌ی صدور بند تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی است که بر اساس پژوهش‌های دیفوند و همکاران (۲۰۰۲)، فرانسیس و یو[1] (۲۰۰۹)، کاپلن و ویلیامز (۲۰۱۳) و لنوکس و کوثر (۲۰۱۷) شامل لگاریتم جمع دارایی‌ها، نسبت ارزش دفتری به بازار حقوق صاحبان سهام، لگاریتم تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده است، ریسک سیستماتیک شرکت، بازده سهام شرکت، بازده دارایی‌ها، اهرم مالی، زیان‌ده بودن شرکت در سال قبل، سرمایه‌گذاری کوتاه و بلندمدت در اوراق بهادار (که به‌وسیله جمع دارایی‌ها همگن می‌شود)، اینکه شرکت در سال بعد اقدام به تأمین مالی جدید (از طریق سهام بیست درصد یا بیشتر) کرده یا خیر، جریان نقد عملیاتی تقسیم‌بر جمع دارایی‌ها در پایان سال مالی، نقدینگی[2] (نسبت دارایی‌های جاری به بدهی‌های جاری)، تعداد روزهای بین پایان سال مالی و تاریخ اعلام سود، درصد تغییر در فروش، راهبری شرکتی، تعداد روزهای بین پایان سال مالی و تاریخ گزارش حسابرس هستند.

همچنین، A_{GC} نشان‌دهنده ویژگی‌های خاص حسابرس برای کنترل عوامل تعیین‌کننده شناخته‌شده‌ی گزارش تداوم فعالیت است که بر اساس پژوهش‌های دیفوند و همکاران (۲۰۰۲)، فرانسیس و یو (۲۰۰۹)، هوانگ و شولز[3] (۲۰۱۲) و لنوکس و کوثر (۲۰۱۷) دربرگیرنده اثرات کیفیت حسابرس، تخصص و استقلال حسابرس بوده و شامل اندازه (نوع) موسسه حسابرسی (سازمان حسابرسی و نیز مؤسساتی که درآمد آن‌ها در یک سوم بالایی درآمد کل مؤسسات مذکور قرار دارد)، مدت همکاری حسابرس با صاحبکار، نسبت حق‌الزحمه حسابرسی به کل دارایی‌ها و اینکه آیا شرکت در سال قبل، بند تداوم فعالیت دریافت کرده است یا خیر، هستند.

پس از اجرای مدل (۲) و درصورتی‌که ضریب B_1، مثبت و معنادار باشد فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود.

برای آزمون فرضیه دوم، پس از برآورد خطر ورشکستگی، از مدل (۳) البته پس از کنترل اثرات سال و شرکت، استفاده می‌شود:

$$Ln\,(AF) = B_0 + B_1\,\widehat{B}^{*} + B_2\,W_F + B_3\,A_F + \nu \qquad (۳)$$

که در آن AF حق‌الزحمه حسابرسی و $\widehat{B}^{*}$ نشان‌دهنده برآوردهای خطر ورشکستگی (سال‌شرکت) و W_F نشان‌دهنده ویژگی‌های خاص شرکت برای کنترل عوامل تعیین‌کننده شناخته‌شده‌ی حق‌الزحمه حسابرسی است که بر اساس پژوهش‌های لارکر و ریچاردسون[4] (۲۰۰۴)، ونکاتارامن و همکاران[5] (۲۰۰۸) و هریبار و همکاران[6] (۲۰۱۴) و نیز رجبی و محمدی خشویی (۱۳۸۷) و درخشی و همکاران (۱۳۹۴)، دربرگیرنده اندازه و پیچیدگی حسابرسی و ریسک حسابرسی بوده و شامل لگاریتم جمع دارایی‌ها، نسبت ارزش دفتری به بازار حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی‌ها، بازده سهام، اهرم مالی، زیان‌ده بودن شرکت در سال قبل، نقدینگی، نسبت دریافتنی‌ها به جمع دارایی‌ها، نسبت موجودی کالا به جمع دارایی‌ها، اینکه شرکت در طول سال اقدام به تأمین مالی جدید (بیست درصد یا بیشتر، از طریق سهام) کرده یا خیر، درصد صادرات به کل دارایی‌ها، ریشه دوم تعداد کارکنان، لگاریتم متوسط جمع دارایی‌ها و درآمدهای عملیاتی، است.

همچنین، A_F نشان‌دهنده ویژگی‌های خاص حسابرس برای کنترل عوامل تعیین‌کننده شناخته شده‌ی حق‌الزحمه حسابرسی است که بر اساس پژوهش‌های لارکر و ریچاردسون (۲۰۰۴)؛ ونکاتارامن و همکاران (۲۰۰۸) و هریبار و همکاران (۲۰۱۴)، شامل اندازه موسسه حسابرسی (سازمان حسابرسی و نیز مؤسساتی که درآمد آن‌ها در یک سوم بالایی درآمد کل آن مؤسسات قرار دارد)، مدت همکاری حسابرس با صاحبکار و اینکه آیا شرکت در سال قبل، بند تداوم فعالیت دریافت کرده است یا خیر، هستند.

پس از اجرای مدل (۳) و درصورتی‌که ضریب B_1 در مدل مذکور، مثبت و معنادار باشد فرضیه دوم پژوهش رد نمی‌شود.

یافته‌های پژوهش

[1] Francis &Yu
[2] Liquidity
[3] Huang & Scholz
[4] Larcker & Richardson
[5] Venkataraman, Weber & Willenborg
[6] Hribar, Kravet & Wilson

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

در این بخش از پژوهش، پس از ارائه آمار توصیفی، نتایج آزمون فرضیه‌ها ارائه می‌شود.

آمار توصیفی

به‌منظور ارائه نمایی کلی درباره‌ی ویژگی‌های مهم متغیرهای پژوهش، در این بخش ابتدا به ارائه برخی از آماره‌های توصیفی این متغیرها، شامل فراوانی برای متغیرهای کیفی پژوهش در جدول ۱ و میانگین، میانه، انحراف معیار، حداقل و حداکثر، به شرح جدول ۲ پرداخته می‌شود.

بر اساس نتایج جدول ۱ نیز می‌توان بیان کرد در بین شرکت‌های جامعه در دسترس، ۱۷۴ سال شرکت زیان‌ده وجود داشته و تعداد شرکت سال‌هایی که بند ابهام در تداوم فعالیت دریافت شده است ۱۲۷ بوده است. بر اساس نتایج جدول ۲، به‌عنوان مثال برای متغیر خطر ورشکستگی، میانگین که مهم‌ترین شاخص مرکزی است و نشان‌دهنده‌ی مرکز ثقل توزیع است معادل ۲/۶۳۲- بوده است. همچنین میانه متغیر مذکور نیز ۲/۹۱۸- است که نشان می‌دهد نیمی از متغیرها بیش از این عدد و نیمی از متغیرها کمتر از آن است. به‌علاوه در بین متغیرهای پژوهش، متغیر برآورد خطر ورشکستگی و سرمایه‌گذاری‌ها به ترتیب، بیشترین و کمترین میزان پراکندگی را داشته‌اند.

جدول (۱). آماره‌های توصیفی متغیرهای کیفی پژوهش

متغیرها	نماد	وجود		عدم وجود		جمع	
		فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بند ابهام در تداوم فعالیت صاحبکار	**GC**	۱۲۷	۱۹/۲	۵۳۳	۸۰/۸	۶۶۰	۱۰۰
متغیر مجازی شاخص زیان	**W8**	۱۷۴	۲۶/۴	۴۸۶	۷۳/۶	۶۶۰	۱۰۰
انتشار سهام جدید (۲۰٪ یا بیشتر)	**W10**	۱۳۷	۲۰/۸	۵۲۳	۷۹/۲	۶۶۰	۱۰۰
حسابرس، سازمان و یا مؤسسات بزرگ باشد	**A1**	۳۰۳	۴۵/۹	۳۵۷	۵۴/۱	۶۶۰	۱۰۰
شرکت در سال قبل، بند تداوم فعالیت دریافت کرده است	**A2**	۱۱۴	۱۷/۳	۵۴۶	۸۲/۷	۶۶۰	۱۰۰

جدول (۲). آماره‌های توصیفی متغیرهای کمی پژوهش

متغیرها	نماد	میانگین	میانه	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
لگاریتم حق‌الزحمه حسابرسی	lnAF	۶/۴۲۹	۶/۴۳۶	۰/۹۰۳	۲/۳۰۳	۸/۹۲۰
لگاریتم جمع دارایی‌ها	W1	۶/۰۱۱	۶/۰۲۲	۰/۷۰۸	۴/۳۶۲	۸/۴۱۴
ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام	W2	-۱/۹۶۳	۰/۳۶۵	۱۴/۹۴۵	-۱۹۳/۱۹۷	۹/۶۴۵
لگاریتم تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس پذیرفته شده است	W3	۱/۲۱۵	۱/۲۳۰	۰/۱۷۶	۰/۶۹۸	۱/۶۹۸
بازده سهام شرکت	W4	۰/۳۴۰	۰/۰۰۴	۱/۰۵۵	-۰/۹۴۰	۷/۶۶۵
ریسک سیستماتیک شرکت	W5	۰/۵۴۳	۰/۲۶۲	۰/۹۰۲	-۲/۸۹	۱۱/۱۹۷
بازده دارایی‌ها	W6	۰/۰۶۹	۰/۰۷۸	۰/۲۲۹	-۱/۳۸۹	۰/۶۲۳
اهرم	W7	۰/۹۲۶	۰/۶۵۴	۱/۲۳۶	۰/۰۴۶	۱۴/۹۰۱
سرمایه‌گذاری‌ها که به‌وسیله جمع دارایی‌ها همگن می‌شود	W9	۰/۰۷۸	۰/۰۲۸	۰/۱۱۶	۰	۰/۷۶۵
جریان نقد عملیاتی به جمع دارایی‌ها	W11	۰/۰۷۹	۰/۰۷۴	۰/۱۶۸	-۱/۳۴۷	۰/۷۵۷
نقدینگی	W12	۱/۴۱۰	۱/۱۴۵	۱/۳۷۹	۰/۰۴۸	۱۳/۱۵۰
تعداد روزهای بین پایان سال مالی و تاریخ اعلام سود	W13	۵۶/۶۸۴	۶۱	۵۰/۶۱۰	۳۱	۳۲۰
درصد تغییر در فروش	W14	۰/۱۷۷	۰/۱۰۲	۰/۷۵۷	-۰/۹۸۴	۱۵/۲۰۹
تعداد روزهای بین پایان سال مالی و تاریخ گزارش حسابرس	W15	۸۴/۴۵	۸۸	۳۶/۵۲۱	۱۸	۵۸۱
راهبری شرکتی	W16	۰/۴۰۶	۰/۵	۰/۲۲۵	۰	۱
دریافتنی‌ها به جمع دارایی‌ها	W17	۰/۳۳۳	۰/۳۱۵	۰/۱۸۵	۰	۰/۸۸۷
موجودی کالا به جمع دارایی‌ها	W18	۰/۲۳۳	۰/۱۹۸	۰/۱۵۲	۰/۰۰۰۱	۰/۷۷۹
درصد صادرات به جمع دارایی‌ها	W19	۰/۰۵۶	۰/۰۰۰۷	۰/۱۳۴	۰	۱/۰۹۶
ریشه دوم تعداد کارکنان	W20	۲۰/۶۵۰	۱۷/۸۰۴	۱۵/۶۲۳	۰	۱۲۳/۲۷۲
لگاریتم متوسط جمع دارایی‌ها و درآمدهای عملیاتی	W21	۵/۹۴۶	۵/۹۶۲	۰/۷۲۰	۴/۱۰۱	۸/۳۳۷
مدت همکاری حسابرس با صاحبکار	A3	۲/۴۶۹	۲	۱/۸۰۸	۱	۱۵
نسبت حق‌الزحمه به کل دارایی‌ها	A4	۰/۰۰۶	۰/۰۰۰۶	۰/۱۳۲	۰/۰۰۰۰۱۴	۳/۲۶۵
برآورد خطر ورشکستگی	W22	-۲/۶۳۲	-۲/۹۱۸	۲۲/۶۹۸	-۲۷۱/۳۴۴	۲۱۶/۸۰۰

نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

در پژوهش حاضر برای آزمون فرضیه اول، ابتدا آزمون همسانی واریانس جملات اخلال برای مدل (۲) انجام گرفت. سپس معنی‌داری ضریب همبستگی بین شرکت‌ها، آزمون شد. نتیجه‌ی آزمون مذکور نشان داد که اثر تصادفی شرکت‌ها معنادار نیست. بنابراین از الگوی اثرات ثابت استفاده شد. جدول ۳، نتایج آزمون فرضیهٔ اول پژوهش را نشان می‌دهد.

با توجه به‌احتمال آماره z برای متغیر خطر ورشکستگی (۰/۰۲۵)، در سطح خطای ۵ درصد می‌توان به این نتیجه رسید که متغیر مذکور بر متغیر وابسته تأثیرگذار بوده است. به بیان دیگر، خطر ورشکستگی اثر مستقیمی بر محافظه‌کاری حسابرس داشته است. به‌علاوه متغیرهای بازده دارایی‌ها، زیان و نیز دریافت بند ابهام در تداوم فعالیت سال قبل، هم بر محافظه‌کاری حسابرس مؤثر بوده‌اند.

جدول (۳): نتایج حاصل از آزمون فرضیهٔ اول پژوهش

متغیر وابسته: محافظه‌کاری حسابرس (صدور بند تداوم فعالیت)

متغیرها	نماد	ضریب	انحراف استاندارد	ارزش احتمال
لگاریتم جمع دارایی‌ها	W1	۰/۲۹۷	۰/۳۷۹	۰/۴۳۲
ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام	W2	-۰/۱۱۶	۰/۱۰۰	۰/۲۴۹
لگاریتم تعداد سال‌هایی که شرکت در بورس پذیرفته شده است	W3	۰/۴۳۱	۰/۹۳۸	۰/۶۴۶
بازده سهام شرکت	W4	-۰/۱۱۵	۰/۱۸۷	۰/۵۳۷
ریسک سیستماتیک شرکت	W5	۰/۱۲۲	۰/۱۶۵	۰/۴۵۹
بازده دارایی‌ها	W6	-۴/۶۴	۱/۹۰۱	۰/۰۱۵
اهرم	W7	۱/۰۸۸	۰/۶۳۹	۰/۰۸۹
متغیر مجازی شاخص زیان	W8	۱/۱۲۲	۰/۵۰۹	۰/۰۲۸
سرمایه‌گذاری‌ها که به‌وسیله جمع دارایی‌ها همگن می‌شود	W9	۰/۳۷۴	۱/۶۱۴	۰/۸۱۷
انتشار سهام جدید (۲۰٪ یا بیشتر)	W10	-۰/۹۲۱	۰/۶۱۳	۰/۱۳۳
جریان نقد عملیاتی به جمع دارایی‌ها	W11	-۱/۳۰۴	۱/۶۶۱	۰/۴۳۲
نقدینگی	W12	۰/۱۹۳	۰/۱۲۱	۰/۱۰۹
تعداد روزهای بین پایان سال مالی و تاریخ اعلام سود	W13	-۱/۰۷۸	۲/۰۰۱	۰/۵۹۰
درصد تغییر در فروش	W14	۰/۴۲۴	۰/۳۱۷	۰/۱۸۲
تعداد روزهای بین پایان سال مالی و تاریخ گزارش حسابرس	W15	۰/۰۰۰۲	۰/۰۰۴	۰/۹۵۹
راهبری شرکتی	W16	-۰/۷۱۵	۰/۶۹۱	۰/۳۰۱
حسابرس، سازمان و یا مؤسسات بزرگ باشد	A1	-۰/۳۹۷	۰/۳۵۱	۰/۲۵۷
شرکت در سال قبل، بند تداوم فعالیت دریافت کرده است	A2	۳/۱۷۳	۰/۵۰۶	۰/۰۰۰
مدت همکاری حسابرس با صاحبکار	A3	۰/۱۲۴	۰/۰۹۵	۰/۱۹۲
نسبت حق‌الزحمه به کل دارایی‌ها	A4	-۱۰/۳۸۹	۱۸۳/۱۵۸	۰/۹۵۵
برآورد خطر ورشکستگی	W22	۰/۰۱۴	۰/۰۰۶	۰/۰۲۵

همچنین برای آزمون فرضیه دوم پژوهش، پس از انجام آزمون همسانی واریانس جملات اخلال برای مدل(۳)، نسبت به انجام آزمون‌های لیمر و سپس هاسمن برای داده‌ها اقدام شد. در نهایت، با استفاده از داده‌های ترکیبی با الگوی اثرات ثابت، آزمون فرضیه دوم انجام شد. جدول شماره ۴، نتایج حاصل از آزمون فرضیهٔ دوم پژوهش را نشان می‌دهد.

با توجه به آماره F به‌دست‌آمده (۵/۰۰) و سطح معناداری آن‌که برابر با (۰/۰۰۰) است می‌توان نتیجه گرفت که در مجموع، مدل از معناداری بالایی برخوردار است. به‌علاوه، با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده ۳۳٪ می‌توان گفت متغیرهای مستقل و کنترل پژوهش، حدود ۳۳٪ تغییرات متغیر وابسته را توضیح می‌دهند. با توجه به مقدار احتمال آماره t برای متغیر خطر ورشکستگی (۰/۸۵۱)، در سطح خطای ۵ درصد می‌توان نتیجه گرفت که متغیر مذکور بر متغیر وابسته تأثیرگذار نیست. به بیان دیگر، خطر ورشکستگی اثری بر محافظه‌کاری حسابرس که از طریق افزایش حق‌الزحمه حسابرسی اندازه‌گیری می‌شود، نداشته است و تنها متغیر تأثیرگذار بر حق‌الزحمه حسابرس، نوع (اندازه) حسابرس بوده است.

جدول (۴): نتایج حاصل از آزمون فرضیهٔ دوم پژوهش

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

متغیر وابسته: محافظه‌کاری حسابرس (حق‌الزحمه حسابرس)

متغیرها	نماد	ضریب	انحراف استاندارد	ارزش احتمال
لگاریتم جمع دارایی‌ها	W1	۰/۰۴۳	۰/۵۷۰	۰/۹۴۰
ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام	W2	-۰/۰۰۵	۰/۰۰۸	۰/۵۰۰
بازده سهام شرکت	W4	-۰/۰۰۵	۰/۰۲۰	۰/۷۹۲
بازده دارایی‌ها	W6	-۰/۲۵۵	۰/۲۸۳	۰/۳۶۹
اهرم	W7	-۰/۱۰۸	۰/۱۳۵	۰/۴۲۶
متغیر مجازی شاخص زیان	W8	-۰/۰۴۵	۰/۰۸۰	۰/۵۷۶
انتشار سهام جدید (۲۰٪ یا بیشتر)	W10	۰/۱۲۹	۰/۰۸۳	۰/۱۲۵
نقدینگی	W12	۰/۰۲۹	۰/۰۳۰	۰/۳۲۴
دریافتنی‌ها به جمع دارایی‌ها	W17	-۰/۵۹۱	۰/۳۵۲	۰/۰۹۶
موجودی کالا به جمع دارایی‌ها	W18	-۰/۵۵۵	۰/۴۵۷	۰/۲۲۷
درصد صادرات به جمع دارایی‌ها	W19	۰/۱۴۶	۰/۳۷۹	۰/۷۰۰
ریشه دوم تعداد کارکنان	W20	۰/۰۲۷	۰/۰۲۱	۰/۱۹۴
لگاریتم متوسط جمع دارایی‌ها و درآمدهای عملیاتی	W21	۰/۲۴۵	۰/۶۰۴	۰/۶۸۵
برآورد خطر ورشکستگی	W22	۰/۰۰۰۱۵	۰/۰۰۰۸	۰/۸۵۱
حسابرس، سازمان و یا مؤسسات بزرگ باشد	A1	۰/۱۳۳	۰/۰۶۳	۰/۰۳۸
شرکت در سال قبل، بند تداوم فعالیت دریافت کرده است	A2	-۰/۲۱۴	۰/۲۲۰	۰/۳۳۴
مدت همکاری حسابرس با صاحبکار	A3	۰/۰۱۷	۰/۰۱۵	۰/۲۵۴

بحث و نتیجه‌گیری

حسابرسان بابت گزارش‌های خود در قبال ذی‌نفعان مسئولیت دارند زیرا گزارش‌های حسابرسان، مورد استناد کل جامعه قرار خواهد گرفت و بر اساس انتظاراتی که ذی‌نفعان از حسابرسان و گزارش‌های آنان دارند و در برخی موارد به گزارش‌های حسابرسی به‌عنوان بیمه‌نامه، ضمانت‌نامه و تأییدیه نیز می‌نگرند حسابرسان لزوماً و ضرورتاً نمی‌توانند صرفاً به استانداردهای حسابرسی اتکا نمایند زیرا در صورت وقوع بحران‌های مالی و ورشکستگی شرکت‌ها، اولین انگشت اتهام به‌سوی حسابرسان نشانه رفته و زیان‌های زیادی را برای آن‌ها به همراه خواهد داشت. به همین دلیل این پژوهش به بررسی رفتار حسابرسان در برخورد با خطر ورشکستگی صاحبکاران پرداخته است.

با توجه به این‌که یکی از مسئولیت‌های حسابرسان، قضاوت و اظهارنظر در خصوص ابهام در تداوم فعالیت واحدهای مورد رسیدگی است و این خطر (خطر ورشکستگی صاحبکاران) شناخته شده نبوده و باید برآورد شود و ممکن است این برآوردها، برآوردهای صحیحی نباشد بنابراین خطر ورشکستگی صاحبکاران می‌تواند باعث افزایش خطر حسابرسی شود؛ به‌علاوه با عنایت به ویژگی علامت‌دهی و محتوای اطلاعاتی اطلاعات مندرج در گزارش حسابرسی، برآورد خطر ورشکستگی و ارائه اظهارنظر تعدیل شده دراین‌باره، هشداری برای ورشکستگی قریب‌الوقوع واحد مورد رسیدگی برای استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی بوده و لذا حسابرس درصورتی‌که دچار خطای گزارشگری نوع اول و یا نوع دوم (که خطرناک‌تر از خطای نوع اول است) شود می‌تواند زیان‌های جبران‌ناپذیری را متحمل شود. حسابرسان به‌منظور جلوگیری از چنین زیان‌هایی و نیز کسب و حفظ شهرت حرفه‌ای و نیز شأن و منزلت اجتماعی، به دنبال آن هستند که ضمن عمل به مسئولیت‌های قانونی و حرفه‌ای خود، به‌گونه‌ای عمل کنند که کمترین زیان‌های احتمالی را در قبال ورشکستگی صاحبکار خود متحمل شوند لذا انتظار می‌رفت تلاش نمایند ضمن در نظر گرفتن آثار خطر ورشکستگی صاحبکار در اجزای خطر حسابرسی خود، در فرآیند حسابرسی محتاطانه عمل کرده و نسبت به اجرای آزمون‌های محتوای بیشتر و کسب شواهد متقاعدکننده‌تر، بیشتر اهتمام ورزند و در نهایت هم به‌گونه‌ای اظهارنظر نمایند که کمترین خطر را متوجه خویش سازند.

نتایج این پژوهش نشان داد حسابرسان برای مصون‌سازی خود در برخورد با ورشکستگی صاحبکاران، زمانی که خطر ورشکستگی آن‌ها افزایش می‌یابد، با احتمال بیشتری، درباره‌ی ابهام در تداوم فعالیت آن‌ها اظهارنظر می‌کنند تا هم خطر حسابرسی خود را به سطح پایین و قابل‌قبولی کاهش داده و هم از اختلالات شهرتی و حرفه‌ای و نیز کاهش اعتماد به حرفه حسابرسی جلوگیری کنند؛ همچنین آن‌ها با صدور بند تداوم فعالیت در گزارش حسابرسی خود، به استفاده‌کنندگان از صورت-

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

های مالی حسابرسی شده نسبت به وخامت اوضاع صاحبکارشان و وجود خطر ورشکستگی وی هشدار داده و احتمالاً از دعاوی حقوقی بالقوه برعلیه حسابرسان نیز خواهند کاست.

بـه‌علاوه نتایج این پژوهش نشان می‌دهد خطر ورشکستگی صاحبکاران بر تعیین حق‌الزحمه حسابرسان تأثیر نداشته و حق‌الزحمه آن‌ها معلول عوامل دیگری (به‌جز خطر ورشکستگی صاحبکار) و به‌ویژه نوع (اندازه) حسابرس بوده است. این نتیجه نشان می‌دهد حسابرسان برای کسب سهم بیشتر در بازار حسابرسی، چندان به موضوع سلامت و یا ورشکستگی صاحبکاران توجه نداشته و سعی می‌کنند ضمن دریافت حق‌الزحمه موردنظر و بدون دریافت صرف ریسک بیشتر از آن‌ها، صرفاً با صدور بند ابهام در تداوم فعالیت، خود را در مقابل خطرات احتمالی ناشی از ورشکستگی آن‌ها مصون سازند.

پیشنهادها

با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی حسابرسی شده به بند ابهام در تداوم فعالیت واحد مورد رسیدگی به‌عنوان علامتی برای مخاطرات بعدی ناشی از ورشکستگی آن واحد توجه نمایند. به مؤسسات حسابرسی و شرکای آن مؤسسات نیز توصیه می‌شود نسبت به شرکت‌های دارای خطر ورشکستگی بالاتر، حساس‌تر بوده و ضمن بررسی دقیق‌تر و عمیق‌تر برنامه‌های مدیریت برای برون‌رفت از این شرایط، به‌صورت موشکافانه‌تر، به ابعاد مختلفی که می‌تواند در جلوگیری و یا کاهش آثار سوء ورشکستگی شرکت‌ها برای جامعه بیانجامد همت گمارند. به تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابرسی نیز پیشنهاد می‌شود به موضوع خطر ورشکستگی شرکت‌ها بیشتر توجه کرده و در قالب استانداردهای تدوین‌شده و یا دستورالعمل‌های لازم، زمینه را برای نقش‌آفرینی بیشتر حسابرسان در جلوگیری و یا کنترل ورشکستگی شرکت‌ها و تبعات بعدی آن در جامعه، فراهم نمایند. به‌علاوه بـه‌منظور نظارت اثـربخش‌تر بـر حسابرسان از مجرای بررسی هم‌پیشگان، توصیه می‌شود در بررسی برنامه‌های زمان‌بندی و نیز برگه‌های ثبت ساعات کار حسابرسان، در شرکت‌های با خطر ورشکستگی بیشتر، دقت نظر بیشتری داشته باشند. همچنین از آنجایی که یکی از محدودیت‌های این پژوهش، در خصوص داده‌های حق‌الزحمه حسابرسی شرکت‌ها بود و علی‌رغم همکاری جامعه حسابداران رسمی در ارائه اطلاعات موجود، پیشنهاد می‌شود در راستای انجام پژوهش‌های بیشتر و کیفی‌تر و نیز ایجاد شفافیت بیشتر در بازار حسابرسی، شرکت‌ها ملزم شوند اطلاعات مربوط به قراردادهای حسابرسی را در بخش یادداشت‌های توضیحی همراه صورت‌های مالی خود ارائه نمایند.

در پایان به پژوهش‌گران پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی خود، تأثیر نوع، بزرگی، میزان درآمد خدمات حسابرسی و نیز خدمات غیر حسابرسی موسسه حسابرسی را بر محافظه‌کاری حسابرسان (هم در احتمال صدور بند تداوم فعالیت و هم در تعیین حق‌الزحمه) آزمون کنند. پژوهش‌گران می‌توانند تأثیر شدت خطر ورشکستگی را نیز در محافظه‌کاری حسابرسان بررسی نمایند. همچنین به آن‌ها توصیه می‌شود به‌منظور کمک به سازمان حسابرسی بـه‌عنوان متولی تدوین اسـتانداردها، بـه پژوهش‌های پیمایشی در خصوص جمع‌آوری انتظارات جامعه از حسابرسان در شرایطی که واحدهای مورد رسیدگی با خطر ورشکستگی مواجه می‌شوند اقدام نمایند؛ به‌علاوه به پژوهش‌گرانی که قادر به دستیابی به اطلاعات مندرج در پرونده‌های حسابرسان هستند توصیه می‌شود میزان آزمون‌های محتوا و نیز زمان‌های مصرف‌شده توسط حسابرسان را در شرکت‌های دارای مشکل احتمالی ورشکستگی و شرکت‌های سالم مقایسه نمایند. بررسی عوامل مؤثر بر اظهارنظر ابهام در تداوم فعالیت شرکت‌ها خصوصاً در صنعت بیمه و بانکداری ایران (که موفقیت آن، اهمیت به سزایی در اقتصاد کشور و آرامش جامعه دارد) نیز می‌تواند موضوع دیگری برای پژوهش‌های آتی باشد. به‌علاوه نقش اطلاعاتی صدور بند تداوم فعالیت در بازار سرمایه نیز می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

منابع

امیرخسرو، هادی. (۱۳۸۴). بررسی ایجاد بیمه مسئولیت حرفه‌ای حسابرسان. **فصلنامه صنعت بیمه ۲۰**(۲): ۱۷۲-۱۵۹.

حاجیها، زهره؛ و ریحانه غلامیان. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین انواع اظهارنظر حسابرسی با پایداری سود. **پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی** ۴(۷): ۸۰-۵۵.

حساس یگانه، یحیی. (۱۳۸۴). **فلسفه حسابرسی**. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

درخشی، رضا؛ یونس بادآور نهندی و رسول برادران حسن‌زاده. (۱۳۹۴). تأثیر ساختار مالکیت و ساختار مالی بر حق‌الزحمه حسابرسی. **دانش حسابرسی** ۱۵(۶۰): ۱۱۳-۹۳.

رجبی، روح‌الله؛ و حمزه محمدی‌خشویی. (۱۳۸۷). هزینه‌های نمایندگی و قیمت‌گذاری خدمات حسابرسی مستقل. **بررسی-های حسابداری و حسابرسی** ۱۵(۵۳): ۵۲-۳۵.

سلیمانی امیری، غلامرضا. (۱۳۸۲). نسبت‌های مالی و پیش‌بینی بحران مالی شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران. **تحقیقات مالی** ۵(۱۵): ۱۳۶-۱۲۱.

شورورزی، محمدرضا؛ احمد زنده‌دل و مهدی اسماعیل‌زاده باغ سیاهی. (۱۳۹۰). مقایسه‌ی اظهارنظر حسابرسان مستقل و متغیرهای مالی در پیش‌بینی ورشکستگی. **بررسی‌های حسابداری و حسابرسی** ۱۸(۶۵): ۷۸-۶۳.

عبدی، مصطفی؛ زلقی، حسن؛ و مهدی کاظمی‌علوم. (۱۳۹۷). رابطه محافظه‌کاری با استراتژی‌های حسابرسان به‌منظور مواجهه با ریسک صاحبکار. **دانش حسابداری مالی** ۵(۱): ۱۲۵-۱۰۱.

فرج زاده دهکردی، حسن؛ و ناهید حیدری. (۱۳۹۶). رابطه بین توانایی مدیریت با حق‌الزحمه و اظهارنظر حسابرسی پیرامون تداوم فعالیت. **پژوهش‌های تجربی حسابداری** ۶(۲۳): ۲۳۹-۲۲۱.

قانون استفاده از خدمات تخصصی و حرفه‌ای حسابداران ذی‌صلاح به‌عنوان حسابدار رسمی. مصوب ۱۳۸۱.

قانون تجارت. اصلاحیه‌ی مصوب ۱۳۴۷.

قانون مالیات‌های مستقیم. مصوب ۱۳۹۴.

قانون مجازات اسلامی. مصوب ۱۳۹۲.

قانون مسئولیت مدنی. مصوب ۱۳۳۹.

کردستانی، غلامرضا؛ و رشید تاتلی. (۱۳۹۳). ارزیابی توان پیش‌بینی مدل‌های ورشکستگی (مقایسه مدل‌های اولیه و تعدیل شده). **دانش حسابرسی** ۱۴(۵۵): ۷۰-۵۱.

کمیته تدوین استانداردهای حسابرسی. (۱۳۹۶). **استانداردهای حسابرسی**. تهران: انتشارات سازمان حسابرسی.

نیکبخت، محمدرضا؛ حامد عمرانی و امید آخوندی. (۱۳۹۷). استراتژی تجاری صاحبکار و حق‌الزحمه حسابرسی. **پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی** ۶(۱۴): ۱۱۸-۹۷.

Altman, E. (1968). Financial ratios, discriminant analysis, and the prediction of corporate bankruptcy. **The Journal of Finance** 23(4): 589-609

Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. **Journal of accounting and economics** 24(1): 3-37.

Basu, S. (2009). Conservatism research: Historical development and future prospects. **Chinese Journal of Accounting Research** 2(1): 1–20.

Basu, S., L.S. Hwang & C.L. Jan. (2002). Auditor conservatism and quarterly earnings. **Available at SSRN 2428862**.

Beaver, W.H., M. Correira & M. McNichols. (2012). Do differences in financial reporting attributes impair the predictive ability of financial ratios for bankruptcy? **Review of Accounting Studies** 17(4): 969–1010.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

Bharat, S.T., & T. Shumway. (2008). Forecasting default with the Merton distance to default model. **Review of Financial Studies** 21(3): 1339-1369.

Blay, A.D., M.A. Geiger & D.S. North. (2011). The auditor's going-concern opinion as a communication of risk. Auditing: **A Journal of Practice & Theor***y* 30(2): 77-102.

Bryan, D.B., & T.W. Mason. (2017). Executive tournament incentives and audit fees. **Advances in accounting** 37(3): 30-45.

Campbell, J.Y., J. Hilscher & J. Szilagyi. (2008). In search of financial distress. **The Journal of Finance** 63(6): 2899–2939.

Carson, E., N.L. Fargher, M.A. Geiger, C.S. Lennox, K. Raghunandan & M. Willekens. (2012). Audit reporting for going-concern uncertainty: A research synthesis. *Auditing:* **A Journal of Practice & Theory** 32(1): 353-384.

Cenciarelli, V.G., G. Greco & M. Allegrini. (2018). External audit and bankruptcy prediction. **Journal of Management and Governance** 22(4): 863-890.

Correia, M., S. Richardson & I. Tuna. (2012). Value investing in credit markets. **Review of Accounting Studies** 17(3): 572–609.

DeFond, M.L., K. Raghunandan & K.R. Subramanyam. (2002). Do non-audit service fees impair auditor independence? Evidence from going-concern audit opinions. **Journal of Accounting Research** 40(4): 1247–1274.

Dhaliwal, D., S.X. Huang, I.K. Khurana & R. Pereira. (2011). **Product Market Competition and Conditional Accounting Conservatism** Working Paper, University of Arizona, University of Arkansas, and University of Missouri at Columbia.

Francis, J.R., & M.D. Yu. (2009). Big four office size and audit quality.**The Accounting Review** 84(5): 1521–1552.

Greene, W.H. (2011). **Econometric Analysis** 7th ed. Prentice Hall.

Hendriksen, E., S. Van Breda, F. Michael. (1992). **Accounting Theory** 5th Edition. Homewood. IL. Irwin. First Edition 1965.

Hribar, P., T. Kravet & R. Wilson. (2014). A new measure of accounting quality. **Review of Accounting Studies** 19(1): 506–538.

Huang, Y., & S. Scholz. (2012). Evidence on the association between financial restatements and auditor resignations. **Accounting Horizons** 26(3): 439–464.

Kapln, S.E., & D.D. Williams. (2013). Do going concern audit reports protect auditors from litigation? A simultaneous equations approach. **The Accounting Review** 88(1): 192-232.

Kausar, A., R.J. Taffler & C. Tan. (2009). The going-concern market anomaly. **Journal of Accounting Research** 47(1): 213-239.

Larcker, D.F., & S.A. Richardson. (2004). Fees paid to audit firms, accrual choices, and corporate governance. **Journal of Accounting Research** 42(3): 625–658.

Lennox, C.S., & A. Kausar, (2017). Estimation risk and auditor conservatism. **Review of Accounting Studies** 22(1): 185-216.

Ohlson, J.A. (1980). Financial ratios and the probabilistic prediction of bankruptcy.**Journal of Accounting Research** 18(1): 109-131.

Shirata, C.Y. (1998). Financial ratios as predictors of bankruptcy in Japan: an empirical research. **Proceedings of the Second Asian Pacific Interdisciplinary Research in Accounting Conference** (pp.437-445). Tsukuba College of Technology.

Shumway, T. (2001). Forecasting bankruptcy more accurately: a simple hazard model. **Journal of Business** 74(1): 101-124.

Venkataraman, R., J.P. Weber & M. Willenborg. (2008). Litigation risk, audit quality and audit fees:evidence from initial public offerings.**The Accounting Review** 83(5): 1315–1345.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]

Watts, R.L. (2003). Conservatism in accounting part II: Evidence and research opportunities. **Accounting horizons** 17(4): 287-301.

Zmijewski, M. (1984). Methodological issues related to the estimation of financial stress prediction models. **Journal of Accounting Research** 22(1): 59-82.

[Downloaded from qfaj.mobarakeh.iau.ir on 2026-11-24]